

تبیین تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک از منظر آیات و روایات

سید ابوالفضل نورانی¹

چکیده

مبادی ادراکی، از عوامل بیرونی و درونی تأثیرات مثبت و منفی می‌پذیرند. بخشی از این تأثیرات باعث اعوجاج و محرومیت از معرفت و بخشی سبب ایجاد نوعی جدید از بصیرت یا تسریع در معرفت می‌شوند. **هدف:** هدف در این مقاله، تبیین تأثیرگذاری فضایل و رذایل به عنوان بخشی از عوامل غیر معرفتی تأثیرگذار بر معرفت بشری از منظر قرآن بود. **روش:** روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با رویکرد پژوهش تفسیری - اخلاقی انجام شد. **یافته‌ها:** رذایل اخلاقی باعث دگرگونی در عقل و حسن تشخیص آدمی و زمینه‌ساز سقوط و سبب شبهه در اندیشه و کج فهمی در بینش شده و فضیلت‌مندی زمینه‌ساز ارتقای فهم و ایجاد نوعی بصیرت می‌شود که وسعت دید را زیاد می‌گرداند. **نتیجه‌گیری:** اثرمندی مستقیم عوامل غیر معرفتی، نظیر ملکات اخلاقی و نیز عنایات ویژه الهی با زمینه‌سازی اختیاری خود انسان در کیفیت و میزان معرفت با تکیه بر ادکله قرآنی و روایی اثبات شده است.

واژگان کلیدی: فضایل، رذایل، ادراک، قرآن، روایت.

◆ دریافت مقاله: 98/06/01؛ تصویب نهایی: 98/11/23.

1. دکتری الهیات و معارف اسلامی (گرایش اخلاق اسلامی). عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - تهران مرکزی / نشانی: تهران، سوهانک، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، دانشکده علوم انسانی، گروه معارف اسلامی / شماره: 84222415 / Email: norani1349@gmail.com

الف) مقدمه

قسمتی از علوم از راه تعلیم و تعلّم رسمی فراهم می‌آیند؛ ولی بخشی از دانشها از راه‌های عادی حاصل نمی‌شوند، بلکه راه تحصیل آنها از طریق تقوا و صفای باطن است که سبب ایجاد نوری از سوی خداوند در دل آدمی می‌شود؛ مطلب مهمی که خداوند به زبان وحی و معصومان(ع) به آن اشاره و انسان را برای کسب این نوع از ادراکات به تصفیه درون تشویق فرموده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خودتان را از مخالفت فرمان خدا حفظ کنید، برای‌تان جداکننده حق از باطل قرار می‌دهد»(انفال: 29). نیروی فُرقان باعث فهم دقیق و روشنی خاصی در انسان می‌شود که ثمره ایمان و تحفّظ از مخالفت با فرمان الهی است. رسول خدا(ص) نیز به این مهم اشاره دارند که: «اگر زیاده‌گویی در سخن و هرزه‌چرانی در دل‌های شما نبود، می‌دیدید و می‌شنیدید آنچه می‌بینم و می‌شنوم».(طباطبایی، بی تا، ج 5: 276)

معرفت در پیدایش و استكمال، تحت تأثیر عوامل متعدّدی قرار می‌گیرد که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده؛ اما در دهه‌های اخیر، بیش از پیش توجه معرفت‌شناسان به این مسئله معطوف شده است. عوامل اثرگذار بر ادراک به دو قسم قابل دسته‌بندی‌اند: یک) عوامل بیرونی؛ همچون اجتماعات سالم یا ناسالم، دوستان خوب یا ناباب، معلّمان و راهبران صالح یا ناصالح، دسترسی یا عدم دسترسی به امکانات آموزشی و غیره. دو) عوامل درونی؛ مانند ملکات و فضایل و رذایل اخلاقی و عملی که روح و روان انسان را تحت تأثیر تدریجی خود قرار داده، به مرور عامل را نیز همانند عمل، رنگ می‌دهند.

فضیلت‌مندی یا رذیلت‌مندی طبق سازوکاری دو مرحله‌ای در ادراک تأثیر می‌گذارند: نخست اینکه، رذایل همانند گرد و غبار مانع دید درست شده، عقل را از تیزبینی بازمی‌دارند. فضایل ضمن رفع موانع، باعث روشن‌بینی عقل می‌شوند و نفس با تخلّی از رذایل، صیقل یافته، واجد ادراکاتی می‌شود که در غیر این شرایط از آنها محروم بود. دوم آنکه، خودِ قلب بعد از جلا یافتن، مرکز تجربه‌ای درونی و الهاماتی می‌شود که برای افراد فاقد این حالت، حاصل نمی‌شود. عُرفای اسلامی قائل‌اند که بر اثر رذیلت‌مندی اخلاقی، میان ضمیر انسان و بینش صحیح، حجابهایی ایجاد می‌شود که مانع شهود حقایق است. پس برای دریافت صحیح حقایق باید حجابها را زدود. این همان مطلبی است که در قالب سیر و سلوک توصیه می‌کنند؛ مراحلی که سالک برای رسیدن به مقامات عرفانی طی می‌کند تا با فراهم کردن صفای قلب، ذهن و دل را برای جذبِ سروشهای غیبی مهیا کند.

معارف دینی، ورای عقل نظری که با ترتیب مقدمات و اشکال، استعمال مجهول می‌کند، راه دیگری را هم برای کشف اسرار پنهان‌مانده از عقل ارائه می‌دهند که می‌توان از آن طریق به دیده بصیرت حقایق را نگرست و آن راه، به بیان رسول مکرم(ص)، راه مجاهده با نفس است که مسیر عارفان حقیقی است: «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَ قَصَرَ أَمَلُهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعَلُّمٍ وَ هُدًى بَغَيْرِ هِدَايَةٍ».(مجلسی، 1404ق، جلد 74، ص 163)

واکاوی تأثیر فضایل و رذایل به عنوان عوامل غیر معرفتی مؤثر بر ادراک، از رویکردهای مختلف فلسفی، علوم اجتماعی، روان‌شناختی، تربیتی، اخلاقی و دینی، قابل بررسی است؛ اما در این نوشتار به تبیین دیدگاه قرآن و روایات می‌پردازیم. در بررسی مسئله به این پرسش برمی‌خوریم که آیا فضایل و رذایل از نگاه قرآن و روایات در ادراک آدمی نقش دارند؟ و اگر چنین است، آیا می‌توان آنها را به عنوان دلایلی برای رشد یا افت تحصیلی در مراکز علمی قلمداد کرد؟ با اثبات این پیشافهم‌ها، پرسش کاربردی آنکه، آیا برای فهم بهتر و بیشتر مسائل و ارتباط دقیق‌تر با عالم هستی، تقوا کارساز است؟

در این نوشتار با در کنار هم گذاشتن یافته‌های وحیانی و روایی و تفسیر آنها، به اعتبارسنجی مسئله می‌پردازیم که نتایج آن کاربرد فراوانی در محیط‌های آموزشی و علمی خواهد داشت؛ بدین صورت که با رفع و دفع رذایل به عنوان یکی از عوامل افت تحصیلی دانش‌پژوهان، می‌توان با اتکا به تهذیب اخلاقی، سطح علمی مراکز علم‌آموزی را به نحو مؤثری ارتقا داد. گرچه این تأثیرگذاری از منظر عقل نیز قابل بررسی مستقل است، اما نوشتار حاضر تنها به دنبال بررسی مسئله از منظر آیات و روایات است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و رویکرد پژوهش، تفسیری- اخلاقی است.

ب) مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث اصلی، به واکاوی مفاهیم بنیادین و تبیین مدالیل الفاظ کلیدی مقاله در قالب چارچوب مفهومی و رویکرد دانشی پژوهش حاضر می‌پردازیم.

1. فضایل

جمع فضیلت؛ در لغت به معنای زیادت و درجه بلند در فضل و علم (ر.ک: بندر ریگی، 1389: 420؛ قرشی، 1361، ج 5: 182-184) و در اصطلاح علم اخلاق، به مفهوم هر آن چیزی است که انسان را به هدف حقیقی خلقت؛ یعنی عبودیت و بندگی خدای سبحان و رسیدن به مقام قرب و وصول به قلّه رفیع یقین می‌رساند.

2. رذایل

جمع رذیلت؛ در لغت به معنای پست، حقیر، زشت و ناپسند (ر.ک: بندر ریگی، 1389: 420؛ قرشی، 1361، ج 5: 184-182) و در اصطلاح علم اخلاق، به هر آنچه انسان را از رسیدن به هدف حقیقی خلقت بازمی‌دارد، اطلاق می‌شود.

برخی از اندیشمندان، فضیلتها را امور مقتضی ستایش و رذیلتها را امور مقتضی نکوهش دانسته (طوسی، 1375، ج 3: 146) و آن دو را از جنس حالات نفسانی برمی‌شمرند (طوسی، 1367: 44) و گاهی هم فضیلت را همان مکارم اخلاقی و رذیلت را ضد آن تعریف می‌کنند (طوسی، 1413: 71). در رویکرد علم الاخلاق فلسفی عالمان

272 ♦ تبیین تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک از منظر آیات و روایات

علم اخلاق، جنبه‌های افراط و تفریط قوای نفس، رذیلت و جنبه اعتدال در قوا، فضیلت شمرده می‌شود. (مسکویه، 1384: 42-41)

البته مراد ما در این مقاله از فضایل، مطلق تقوا و از رذایل، مطلق گناه به معنای خطا و مخالفت با امر و نهی شارع مقدس در فعل و نیت است که با معانی پیش گفته قابل جمع است.

3. ادراک و معرفت

ادراک در لغت به معنای رسیدن و لحوق به چیزی (قرشی، 1361، ج 1: 340) و در اصطلاح، حقیقت ادراک، رسیدن به نهایت ژرفای یک چیز و تمثیل حقیقت شیء در نزد مُدرک (رک: ابن سینا، 1375، ج 2: 308، نبط سوم) و حصول صورت شیء در نزد عقل است (رک: ملاصدرا، 2002، ج 9: 245). همچنین «ادراک» در معنای «معرفت» یا همان «باور صادق موجه» (همان مفهوم علم) به کار می‌رود که از مفاهیم بدیهی و غیر قابل تعریف است. آنچه در تعریف معرفت یا علم گفته می‌شود، نه تعریف حقیقی، بلکه تنبیهی است؛ یعنی مطلب موجود در ذهن مخاطب که به هر دلیل مورد تَنبُّه او نیست، با الفاظ مُشابه و کلمات معادل، معنای مُرتکز ذهنی وی برجسته و بارز نشان داده می‌شود. «آگاهی یا راه‌یافت به واقعیت» نیز از جمله تعاریف لفظی برای «شناخت» برشمرده می‌شود. (رک: جوادی آملی، 1386: 87)

مراد از ادراک و معرفت در این مقاله، مطلق آگاهی است که به دو قسم حضوری و حصولی تقسیم می‌شود. علم حضوری، ادراکی بی‌واسطه است که در آن واقعیت و وجود واقعی معلوم، نزد درک‌کننده حاضر است و در جایی تحقق می‌یابد که واقعیت درک‌کننده با واقعیت درک‌شونده، اتحاد وجودی داشته و معلوم از عالم غایب نباشد. در مقابل، علم حصولی شامل ادراکی با واسطه است که درک‌کننده از طریق مفهوم یا صورت ذهنی، چیزی را درک می‌کند. در علم حصولی، معلوم مورد شهود درک‌کننده قرار نمی‌گیرد. (حسین‌زاده، 1394، 59-43)

4. ادراک و معرفت از منظر قرآن و روایت

از منظر قرآن و روایات، علم و ادراک، حقیقت و جوهری دارد و ظاهر و پوسته‌ای؛ که انواع دانشهای رسمی، اعم از اسلامی و غیر اسلامی، پوسته دانش محسوب می‌شوند و حقیقت علم و ادراک چیز دیگری است. چنانکه در آیه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: 28) با توجه به ادات حصر، می‌فرماید: فقط عالمان از خداوند ترس دارند. اگر شمول علما، دانشمندان علوم رسمی مثل دانشمندان علم ریاضی، فیزیک، شیمی، تاریخ، تفسیر، اصول و غیره را در بر بگیرد، لازم می‌آید مفهوم آیه صحیح نباشد؛ زیرا بسیاری از دانشمندان علوم مذکور، از اهالی رذایل اخلاقی‌اند و خشیتی از خداوند منان ندارند. پس برای فهم دقیق مُراد آیه، باید بپذیریم که علما در این آیه، افراد متّصف به علم خاصی‌اند و آیه شامل همه علوم نمی‌شود، بلکه از سنخ خاصی از علم سخن می‌گوید. در برخی آیات دیگر مثل «وَيَرَى الَّذِينَ أُتُوا الْعِلْمَ

الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ... (سبأ: 6)، با توجه به معنای آیه، اگر معنی واژه علم را مطلق بگیریم، به گونه‌ای که شامل همه علوم بشود، باید بپذیریم که همه عالمان اعم از دانشمندان اقتصاد، سیاست، فیزیک، شیمی و غیره باید بر حقایق آنچه بر پیامبر (ص) نازل شده، دانا باشند؛ در حالی که بسیاری از آنان منکر حقایق وحی و رسالت‌اند. یا در آیه «وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ جَاهِلَةٍ» (23) باید پرسید این چه نادانی و گمراهی است که با علم قابل جمع شدن است؟! لابد باید مُراد از واژه جهل در آیه، معنایی باشد که با نوعی از علم قابل جمع است؛ یعنی می‌شود یک شخص همزمان که متّصف به علوم رسمی است، در عین حال با علم به آن معنای خاص و از سنخ علوم مورد اشاره قرآن، بیگانه باشد و جاهل و گمراه به حساب آید.

پس علم مورد بحث در اینجا چیست؟ کدام علم ممکن است تحت تأثیر فضایل به انسان داده شود یا فاعل شناسا، به سبب رذیلت مندی، دچار إعوجاج ادراک یا محرومیت از آن سنخ علوم شود؟

حقیقت برخی علوم یاد شده در آیات و روایات، نوری است که انسان در پرتو آن، جهان را آن گونه که هست می‌بیند و جایگاه خود را در هستی می‌یابد. چنانچه قرآن مجید با صراحت از نور دانش سخن به میان آورده: «آیا کسی که مرده بود و ما او را به سبب ایمان حیات بخشیدیم و برای او نوری قرار دادیم که به وسیله آن در میان مردم حرکت کند، مانند کسی است که حکایتش این است که در تاریکی‌های گمراهی به سر می‌برد و از آن بیرون شدنی نیست؟» (انعام: 122). واضح است که مُراد از موت و حیات و نور و ظلمت در این آیه، مرگ و زندگی و روشنایی و تاریکی طبیعی و مادی نیست؛ بلکه مقصود آیه از نور، دانشی است که مایه حیات معنوی و هدایت انسان می‌شود و مُراد از ظلمت نیز تاریکی‌ای است که سبب مرگ روحی و معنوی و گمراهی انسان می‌شود.

در روایات نیز علاوه بر سخن از ادراکات قوای حس و عقل، سخن از گونه‌ای دیگر از علم آمده که ویژگی آن با علوم متعارف فرق دارد. مقصود از این نوع علم و ادراک در قرآن و روایات، از سنخ علوم متداول در منظومه دانشی غرب نیست، بلکه گونه دیگری است که با تعبیر نور از آن یاد می‌شود. رسول گرامی (ص) این نوع ادراک را «نور و پرتوی می‌داند که خدای سبحان آن را در دل دوستان خود می‌تاباند و بدان بر زبان آنان سخن می‌راند» (محمدی ری شهری، 1385، ج 1: 26) و امیر مؤمنان (ع) آن را «سرشته در دلها دانسته که با تأدیبه به آداب روحانیان آشکار می‌شود» (همان)؛ سنخی از علم و معرفت که در پرتو عبودیت قابل دستیابی است. (مجلسی، 1404، ج 1: 69)

ده‌ها مورد افزون بر این آیات و روایات، همگی اشاره به همان حقیقت علم دارند که با ایمان ملازم و با اعمال شایسته و صفات پسندیده همراه است و دوری از رذیلت در رسیدن به این دانش نورانی بسیار مؤثر است. بشر امروزی که ظاهراً دانش به معنای مهارت و فن و علوم تجربی، فلسفه، ریاضیات، شیمی، فیزیک و علوم اعتباری دیگر را به خوبی آموخته، به غایت از حقیقت علم نورانی غفلت دارد. وقتی دانش از گوهر

274 ♦ تبیین تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک از منظر آیات و روایات

حقیقی خود دور شد، به جای آنکه انسان را در طریق تکامل قرار دهد، به سوی چاه جهالت سوق می‌دهد و آنگاه هر چه بر دانسته‌هایش افزوده شود، در مسیر سقوط جلوتر خواهد رفت و خطرش برای جامعه انسانی بیشتر خواهد شد. با این معنا از علم است که می‌شود بین علم و جهل جمع کرد و انسانهایی را پیدا کرد که در عین دانستن، جاهل‌اند؛ چون دانش‌شان از جوهر و ذات خود جدا شده است؛ چنانکه امام علی (ع) از آن نهی می‌کند: «لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا» (نهج‌البلاغه: ح 274)؛ یعنی کاری نکنید که دانش بی‌خاصیت و نورانیت «ظَاهِرٌ لِنَفْسِهِ وَ مُظْهِرٌ لِغَيْرِهِ» بودنش به سبب عمل نکردن به آن سلب شود. همانند دانشی که راه تسخیر کرات را نشان می‌دهد، ولی توان ارائه کمترین حرکتی به سوی کمالات انسانی را نداشته و در شناخت نفس سرگردان است: «رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ، وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ» (محمدی ری‌شهری، 1385، ج 2: 372)

پس فضیلت‌مندی و رذیلت‌مندی در دستیابی یا محرومیت سِنَخی از ادراک نقش بسزایی دارند که با علوم معمولی متفاوت است. چنان‌که پیامبر (ص) برای انسان عقلانیتی قائل است که با گناه از او گرفته می‌شود: «هر کس مرتکب گناهی شود، عقلانیتی از او گرفته می‌شود که هرگز به او برنمی‌گردد» (همان: 987). این عقلِ مسلوب از گنهکار، کارش فراهم کردن همان ادراک نورانی بود که چراغش با رذیلت‌مندی خاموش شد. پس مراد از ادراکی که تحت تأثیر فضیلت و رذیلت قوت و ضعف پیدا می‌کند، نوعی حکمت و نورانیتی است که با ایمان قرین است؛ علمی همراه با خشیت الهی که از عمل شایسته انسان جدایی‌ناپذیر است.

ج) تأکید قرآن بر بُعد شناختی انسان

جامعیت آموزه‌های اسلام، جنبه‌های مادی و معنوی نیاز انسان را مورد توجه قرار داده، سعادت وی را در برخورداری از کمالات روحی و استفاده صحیح از تمایلات مادی می‌داند. از این رو، عوامل و راهکارهای مؤثر در رشد و تعالی مادی و معنوی او را در آموزه‌های وحیانی ارائه داده است. تعالیم کتاب الهی همواره بر بُعد شناختی انسان تأکید داشته، به بیان حدود و موانع و عرصه‌های شناخت پرداخته‌اند. قرآن مجید واژه‌های تعقل، تفکر، تدبّر، لبّ، حکمت، علم، فهم و... را (با توجه به وجود تفاوت‌های ظریف میان آنها)، در بُعد شناختی انسان به کار برده، همچنین با الفاظی نظیر زیغ، ران، وقر، غشاوه، اکنه، غلف، طبع، ختم و صرّف و...، موانع و حدودی را که برای معرفت ایجاد می‌شود، گوشزد کرده و به این مطلب دقیق اشاره می‌کند که به خاطر برخی اعمال، قلب آدمی که کارش ادراک است، از درک حقایق منصرف و دچار کج‌فهمی شده و به جای دستیابی به معرفتی ناب، دچار وهم و خیالهای باطل می‌شود و نمی‌تواند راه درست را از راه انحرافی تشخیص دهد و آنچنان دچار جهل مرکب می‌شود که اوهام باطل خود را حقیقت محض می‌انگارد.

د) زمینه‌ها و شرایط معرفت عرفانی از دیدگاه قرآن و روایات

در عالم هستی با حقایقی مواجهیم که ادراک آن از عهده عقل و برهان خارج است و حتی اگر ادراک برهانی آنها ممکن باشد، صرفاً یقین مفهومی افاده می‌دهد، نه یقین مصداقی و شهودی. از این رو، بالاترین و کامل‌ترین نوع شناخت، همان معرفت شهودی است که ابزار درک آن، قلب تزکیه‌شده و پاک است: «هر کس به خدا ایمان آورد، خدا دل او را (به درک ربوبیت عام الهی) هدایت می‌کند» (نبا: 11). خداوند در این آیه، «هدایت قلب» و بازماندن آن از کجی و ضلالت را بر «ایمان به خدا» مترتب نموده و وعده داده که ایمان حقیقی به دنبال خود، معرفت و بصیرتی می‌آورد که از آن به هدایت قلب یاد می‌شود.

شناختی که از راه ایمان به خدای متعال به دست می‌آید، از قبیل شناخت حسّی و عقلی نیست، بلکه نوعی معرفت شهودی است که کانونش قلب پاک انسانی است که بر اثر ریاضتهای سلوکی شرعی، حقایق به صورت کمعات و انوار برایش آشکار می‌شود (رک: نهج البلاغه: خ 220). قرآن مجید در آیاتی به زمینه‌های شناخت عرفانی اشاره می‌کند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: 3-2). در فرهنگ قرآنی، رزق و روزی فقط به خوراک و لباس و امور مادی خلاصه نمی‌شود و دانش و امور معنوی نیز رزق الهی به حساب می‌آیند. طبرسی به نقل از ابن جریر و ابن زید، ذیل تفسیر آیه 29 انفال می‌نویسد: «يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا أَى هِدَايَةً وَنُورًا فَى قُلُوبِكُمْ تَفَرِّقُونَ بَهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ» (طبرسی، 1406، ج 4: 825). در واقع بنا بر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (بقره: 282) این یک وعده الهی است که هر کس تقوا پیشه کند، خدا به او تعلیم می‌دهد؛ یعنی در قلبش نوری قرار می‌دهد که آنچه به او القا می‌شود، درک کند.

زمینه این سنخ از شناخت، جلا یافتن و از بین رفتن کدورت‌های قلب به واسطه تقوای الهی است تا زمینه انعکاس حقایق غیبی در قلب فراهم شود. چنانچه وقتی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «علم نوری است که خداوند در قلب کسی که دوستش دارد، قرار می‌دهد و قلبش را باز می‌کند و غیب را نشان می‌دهد»، در جواب سؤال یاران که پرسیدند که آیا نشانه‌ای برای این هدیه الهی وجود دارد، تا قابل شناسایی باشد؟ فرمودند: «روی آوردن به خانه جاودانی و کنده شدن از خانه فریب‌دهنده دنیا و آمادگی برای مرگ قبل از آمدنش» (برجری، 1416، ج 1: 413-412). از روایت پیداست حصول این حالت در انسان، بدون پاکسازی نفس از آلودگی گناهان و عمل به شریعت یا همان تخیلی از رذایل و تحلی به فضایل امکان‌پذیر نیست.

ه) راه ویژه تحصیل فضایل و رفع رذایل از منظر قرآن و روایات

دستور خاص قرآن مجید در این رابطه، راه مخصوص رفع رذایل از آغاز است که در مکاتب دیگر یافت نمی‌شود یا کمتر به آن پرداخته شده است. در این شیوه باید تربیت و تقویت فطرت و سرشت پاک انسان از بدو تولد مورد توجه ویژه قرار گیرد. در این اسلوب خاص قرآنی، انسانها از نظر اوصاف و طرز تفکر،

276 ♦ تبیین تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک از منظر آیات و روایات

طوری تربیت می‌شوند که دیگر محل و موضعی برای رذایل اخلاقی باقی نمی‌ماند. به عبارتی؛ خوی‌های ناستوده از طریق «رفع» از بین می‌رود نه «دفع»؛ یعنی از ابتدا اجازه نمی‌دهد که صفات رذیله در دلها راه یابند تا بعد در صدد برطرف کردنش برآیند، بلکه دلها را چنان با معارف پُر کرده که دیگر جایی برای رذیلت باقی نمی‌ماند و این یعنی از ابتدا، تربیت دینی با رعایت همه شرایط آن (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا، ج 1: 9-533). در حقیقت؛ با تربیت قرآنی، آینه دل دُچار زنگار و کدورت نمی‌شود تا نیازمند به زدودن باشد. بنابر این، در چنین وضعیتی هیچ نیازی به دفع رذایل نیست؛ زیرا در چنین مسیری، آدمی عصمت فطری خود را حفظ کرده، آن صفای خدادادی را که هر مولودی در زمان تولد به همراه دارد خدشه‌دار نکرده است. این طریقه به کسب و تقویت فضایل و رفع و جلوگیری از ورود رذایل تأکید دارد.

(و) شکوفایی عقول هدف اصلی تهذیب نفس

محور تلاش انبیای الهی و اوصیای آنان در طول تاریخ بر تعدیل اغراض بشر و تهذیب نفوس آنان و زدودن غبارها از چهره گنجینه درونی‌شان بوده تا به سرمایه‌های نهاد خویش آگاه شوند و بتوانند بدون حجاب، حقایق را آن‌گونه که هست دریافت کنند و به دفاین عقول دست یابند. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «یکی از اهداف اصلی رهبران الهی، برانگیختن و شوراندن دینه‌های عقلی بشر است» (نهج‌البلاغه: خ 1). در میان شاگردان مکتب اهل‌بیت (ع)، نمونه‌هایی نظیر سهروردی پیدا شده‌اند که در پرتو فضیلت‌مندی به مدارج بالایی دست یافته‌اند که باور آن برای افراد عادی سخت می‌نماید؛ چنانچه خود در حکمه‌الاشراق به آن اشاره می‌کند: «همه مطالب این کتاب، یک شبه بر من القا شد» (سهروردی، 1380، ج 2: 259).

اعطای حکمت در یک آن به شیخ اشراق، نمونه‌ای از شکوفایی عقل در پرتو تزکیه باطن با پیروی از دستورات دین است. او با ترک رذایل و کسب فضایل اخلاقی و عملی به درجه‌ای از کمال رسید که حُجَم انبوهی از معارف عمیق با یک جرّقه و الهام به قلبش القا شد. باور این مهم بر افراد عادت‌محور و ناآشنا به این طریقه پیچیده، تا حدود زیادی دشوار است؛ ولی قبول آن بر کرامت‌مداران سخت نیست؛ زیرا حقیقت حکمت چیزی نیست جز جاذبه‌ای عقلانی و ضد کششهای نفسانی که هر اندازه در جان انسان قوت یابد، به همان اندازه تمایلات نفسانی‌اش ضعیف می‌شود (آمدی، 1366: ح 7205)؛ تا آنجا که زمینه گناه کاملاً در او از بین رفته و در آن حال، عقل در وجودش به طور کامل احیا شده (نهج‌البلاغه: خ 220)، زمام امور او را به دست گرفته و زمینه کارهای ناشایست را در وجودش می‌میراند و او را به مرحله عصمت نزدیک می‌کند (آمدی، 1366: ح 6712)؛ تا جایی که در مراتب بالای علم و حکمت، به والاترین درجات خودشناسی (همان: ح 3105) و خداشناسی رهنمونش می‌گرداند.

ز) تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک

ادراک و شناخت از طُرُق مختلفی حاصل می‌شود که مهم‌ترین آنها، حس، خیال، عقل، قلب و وحی است و از آنها به ادراکات حسی، خیالی، عقلانی، شهودی و وحیانی یاد می‌شود. فضایل و رذایل در همه آنها یا دست کم در اغلب آنها به طور جدی تأثیرگذارند؛ گرچه نمود این تأثیرگذاری در ادراکات اشراقی و ذوقی بیشتر است، اما در اینجا سخن از اثرگذاری بر نوعی ادراک از پیش موجود نیست، بلکه خود نوعی ایجاد بصیرت و ادراک جدید است که در پرتو برخی از فضایل و دوری از رذایل حاصل می‌شود. در این نوع از ادراک، نقش محصل در تحصیل نور دانش، تنها در فراهم کردن زمینه پیدایش آن نور است و گرنه چراغ پُر فروغ نور معرفت، هدیه‌ای است الهی بر شایستگان که از عالم غیب فیض می‌گیرند و کانون جانسان روشن می‌شود.

پیامبر خدا(ص) دانش را «نور و پرتویی می‌داند که خداوند در دل‌های دوستانش می‌تاباند و بدان بر زبان آنان سخن می‌راند» محمدی ری‌شهری، 1385، ج 1: 26. لازمه ایجاد این نور متفاوت با علوم رسمی، در گام نخست، زایل کردن موانع و در گام بعد، فراهم ساختن زمینه پیدایش آن است تا آن علم سرشته شده در دلها، از جانب خداوند متعال، ظهور و بروز نماید. امام صادق(ع) می‌فرماید: «دانش به آموختن نیست، بلکه نوری است که خدای متعالی در دل هر کس که بخواهد هدایتش کند، می‌افکند» مجلسی، 1404، ج 1: 224. چنانچه امیرمؤمنان(ع) ظهور آن را تأدب به آداب روحانین می‌داند(محمدی ری‌شهری، 1385، ج 1: 26). پس راه وصول به برخی از معارف و علوم، با استفاده از این روایات و به خصوص روایت اخیر، تَخَلُّق به اخلاق الهی و اجتناب از رذایل اخلاقی است.

قرآن مجید نیز در جاهای متعدّد با اشاره به این مهم می‌فرماید: «آیا کسی که مُرده دل بود و زنده‌اش کردیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن بیرون آمدنی نیست».(انعام: 122)

همان‌گونه که تأثیر مثبت فضایل بر ادراک و معرفت بررسی شد، اثرات منفی رذایل نیز در آیات و روایات قابل استنباط است؛ چنانکه خداوند، کُفر و پیروی از هوای نفس را سبب گمراهی و خروج از نور به سوی ظلمات بیان می‌فرماید: «و آنان که راه کفر گزیدند، یارشان شیطان است که آنها را از عالم نور به تاریکی‌های گمراهی درافکند»(بقره: 257). در آیه‌ای دیگر، رسیدن به کمال انسانیت، رُشد، هدایت، معرفت و نور علم را مرهون جلوگیری نفس از شهوات حیوانی دانسته، متابعت از شهوات بی‌حدّ و حصر را سبب محرومیت از هدایت و درک معارف بلند می‌داند؛ چنانکه چشمان آنان از دیدن طُرُق حق کور و نابینا می‌شود: «ای رسول ما! می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را پس از اتمام حجت گمراه ساخته و مُهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم او پرده ظلمت کشیده(لذا سخن خدا را

278 ♦ تبیین تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک از منظر آیات و روایات

نمی‌شنود و فکر در عاقبت خود نمی‌کند و آیات الهی را به چشم مشاهده نمی‌کند. پس او بعد از خدا چه کسی هدایتش خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمی‌شوید؟» (جانبه: 23).

روایتهای متعدد نیز مؤید همین معناست؛ به بیان رسول خدا (ص): «کسی که با گناه همراه شود، پس به تحقیق جدا می‌شود بخشی از عقل او، در حالی که هرگز به سوی او باز نمی‌گردد» (فیض کاشانی، 1376، ج 5: 24). امام علی (ع) نیز تصریح فرموده‌اند که: «پیروی از هوای نفس، عقل را فاسد می‌کند» (آمدی، 1366، ج 5983) و «دانش و حکمت با شهوت پرستی جمع نمی‌شود». (همان: ح 10573)

بر اساس آموزه‌های دینی، علم و دانش، واقع و بطنی دارد و ظاهر و پوسته‌ای. انواع علوم رسمی، پوسته دانش محسوب می‌شوند و حقیقت و لبّ دانش و معرفت، چیزی دیگر است. در این دیدگاه، حقیقت دانش، نوری است که انسان در پرتو آن، جهان را آنگونه که هست می‌بیند و جایگاه خود را در هستی می‌یابد و این نور و معرفت هم مراتبی دارد که مرتبه بالای آن، انسان را به مقصد اعلاّی انسانیت رهنمون می‌سازد و تا زمانی که انسان روح و روان خود را از بند رذایل نفسانی و صفات حیوانی و شیطان نرهد و جان خویش را به صفات حق آراسته نگرداند و از علایق غیر خدایی و ارسته نشود، مُلهم به چنین ادراک نابی نخواهد شد. این نوع از ادراکات و معارف، از علومی نیستند که از کتاب و کتابخانه به دست آیند، بلکه جایگاه آنها قلب انسانهای پاک است که در پرتو تخلّی از رذایل و تحلّی به فضایل به آن درجه از ادراکات ناب نایل می‌شوند. در واقع؛ این ادراک و شناخت، نوعی پاداش الهی است. حضرت عیسی بن مریم (ع) فرموده‌اند: «گر شهوتها، دلها را از هم ندرد و طمّع آلوده‌شان نسازد و برخوردار از نعمتها آنها را سخت نگرداند، به زودی ظرفهای حکمت خواهند شد». (حرّانی، 1404: 504)

ح) سازوکار تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک

فضیلت‌مندی و دوری از رذایل، دو کارکرد ویژه دارد: یکی آنکه، با صیقل مجاری ادراک، درک آدمی را روشن‌تر و قوی‌تر کرده، حواس و خرد را برای کسب معارف آماده‌تر و به معنایی منسجم‌تر می‌کند و دیگر آنکه، راه جدیدی برای فهم آدمی باز می‌کند که آن، راه الهام و اشراق و عرفان است. «مکانیزم این نوع شناخت این گونه است که وقتی موانع برطرف شد، روشن‌بینی انسان بیشتر می‌شود. وقتی جان انسان صفا پیدا کرد و عُبار آلودگی‌ها کنار رفت، عقل و روح برای کسب معارف و درک حقایق جلای بیشتری می‌یابد» (مطهری، 1387: 78). در واقع؛ تزکیه نفس که مشتمل بر «تخلیه از رذایل» و «تحلیه به فضایل» است، دو کارکرد دارد: اول، موانع را از جلوی دید عقل و بصیرت انسان برداشته، بالاخص بزرگ‌ترین حجاب معرفت را که انگیزه‌های نفسانی است، از بین می‌برد و در انسان چنان آمادگی‌ای ایجاد می‌کند که حقایق را آنچنان که هست درک کند. دوم اینکه، منبع یک رشته الهامات و القانات جدید می‌شود. (سبحانی، 1375: 160 به بعد)

ط) معیار فضیلت و ردیلت

از نظر اسلام، فضیلتِ فعل به تأثیر گذاری آن فعل در رسیدن به کمال انسانی بستگی دارد. از این رو، هر فعلِ ارادی و اختیاری آدم که در بازسازی روح او و وصول به کمال نهایی تأثیر بگذارد، فضیلت و در غیر این صورت، ردیلت شمرده می‌شود. طبق این دیدگاه، فعل خنثی نداریم؛ یعنی هر فعلی یا مُقَرَّب است یا مُبْعَد. در واقع؛ فعلی وجود ندارد که بیرون از این مجموعه باشد. امام جواد(ع) در سخنی گهربار، فضایل را این گونه معرفی می‌فرماید: «فضیلتها بر چهار گونه‌اند: اول، حکمت که جانمایه آن اندیشه؛ دوم، عفت که جانمایه اش شهوت؛ سوم، قدرت (شجاعت) که جانمایه اش خشم و چهارم، عدل که قوام آن در اعتدال قوای نفسانی است» (محمّدی ری شهری، 1377: ح 5033). چنانچه از این حدیث فهمیده می‌شود، فضایل همان حدّ وسط و اعتدال در قوای نفسانی به شمار آمده و افراط و تفریط در آن قوا، جزء رداییل محسوب می‌شوند. نظریه‌ای که مورد قبول ملامهدی نراقی (رک: بی تا، ج 1: 34-35) و علامه طباطبایی (رک: بی تا، ج 1: 541) و بسیاری از متفکران در رویکرد اخلاق فلسفی است و همه فضایل دیگر به نحوی تحت همان چهار فضیلت قرار می‌گیرند.

ی) اهمّ فضایل و رداییل تأثیر گذار بر ادراک

ایمان و تقوا، زهد و بی‌رغبتی به دنیا، اخلاص در عمل، ذکر الهی، استغفار، استمداد از خداوند، طهارت قلب، خوف الهی، صبر در مسیر حق، حُسن خُلق، حُسن نیت، شکر نعمت، پیروی از صاحب وحی، همت بلند، تواضع، مجاهده در راه خداوند، لقمه حلال، کم‌خوری، حفظ زبان، عبودیت حق، تفکر در آیات الهی و... از جمله فضایل تأثیر گذار بر ادراک آدمی‌اند.

در مقابل، کفر، هواپرستی، حبّ دنیا، کبر و غرور و مستی، جهل و غفلت، نفاق، تعصّب و لجاجت، تقلید کورکورانه، آرزوهای دور و دراز، دشمنی و انزجار نسبت به خدا و پیامبر(ص) و ائمه(ع)، پیروی از رهبران فاسد، هم‌رنگی با محیط آلوده، سطحی‌نگری، پیروی از وسوسه‌های شیطان، دوستان گمراه، ظلم و ستم، حرام‌خواری و... از مهم‌ترین رداییل اثرگذار بر ادراک‌اند که مانع کسب معارف الهی خواهند بود. از آنجا که جهان آفرینش بر اساس نظم حرکت می‌کند و همه موجودات رو به سوی حق‌اند، «إِلَى اللَّهِ الْمَصِير» (آل عمران: 28)، گناه و طُغیان که حرکت در جهت خلاف حق است، آدمی را اصلاً به مقصد نمی‌رساند یا دیرتر می‌رساند و اگر کسی حرکت در خلاف مسیر همه موجودات را با اختیار و علم خود انتخاب کند، همه موجودات علیه او قیام می‌کنند و مانع رسیدن او به مقصد می‌شوند. حتی اگر حرکت او به سوی علم‌آموزی و کسب ادراک و معرفت باشد (جوادی آملی، 1378: 340) و بالعکس، حرکت در مسیر حق، نوعی هماهنگی با همه موجودات در مسیر سیر به سوی خداست و چنین انسانی، به نوعی، از همراهی و

280 ♦ تبیین تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک از منظر آیات و روایات

کمک همه موجودات برای نیل به مقصود خویش بهره‌مند می‌شود و سریع‌تر به مقصد می‌رسد؛ حتی اگر مقصد و مقصودش، علم‌آموزی و کسب معرفت و ادراک باشد.

قلب با تخلی از رذایل و تزیین به فضایل، چنان ارتقا و استعدادی می‌یابد که محل نزول ملائکه الهی و مستعد دریافت الهاماتی از سوی فرشتگان می‌شود؛ به طوری که این القائات هرگز از راه تفکر عادی به دست نمی‌آید. فرشتگان گاهی با ایجاد آرامش در قلب و زمانی نیز با وارد کردن مطلب دقیقی به ذهن انسان فضیلت‌مند، وی را مدد می‌کنند؛ اما او خود نمی‌داند اینها از کجا آمده است. به بیان امام علی(ع): «دو گونه القا وجود دارد: القای شیطانی و القای فرشته. القای فرشته باعث نرمی قلب و فرونی فهم می‌شود و القای شیطانی موجب سهو و قساوت قلب می‌شود» (کلینی، 1363، ج 2: ح 3)

در برخی از روایات به مفهوم مهمی اشاره شده که خدای متعال برای هر انسانی دو دیده و دو نوع چشم قرار داده است: چشم سر و چشم قلب. اگر خدای متعال خیر بنده‌ای را بخواهد، دو چشم قلب او را بینا می‌کند تا با آن غیب و امر آخرتش را ببیند (بروجردی، 1416، ج 1: 412). واضح است که اراده خداوند برای افتتاح دیده قلب بنده، پاداش عمل صالح او و دوری جستن از نافرمانی الهی است.

ک) تبیین مسئله از منظر قرآن مجید و روایات

قرآن مجید نفوذ تدریجی و پنهانی رفتارهای انسان در نوع اندیشه و فکر او را به قدری دقیق بیان می‌کند که کسی را توان انکار این مطلب نمی‌ماند. خداوند به رهروان طریق دانش این خطر جدی را پی‌درپی هشدار می‌دهد تا مبادا با دوری از فضایل و گرفتاری در دام رذایل سرچشمه‌های بزرگ ادراک خود را آلوده کرده، آرام آرام گرفتار اعوجاج در بینش شوند. به بیان قرآن: «هسلماً شیطین، آنها را از راه حق باز می‌دارند و آنها می‌پندارند که راه یافتگانند» (زخرف: 37)؛ «کسانی که از یاد و ذکر خدا اعراض کنند، خداوند شیطان را همنشین و قرین آنها قرار می‌دهد؛ به طوری که آنها را از راه راست و حق به بیراهه می‌کشاند، در حالی که چنان مست غفلت می‌شوند که خود را در آن حال هدایت یافته می‌دانند» (طه: 124؛ نساء: 119)

با بررسی آیاتی که نقش فضایل و رذایل در ادراک را بیان می‌کنند، می‌توان دریافت که منابع معرفتی انسان می‌توانند در شرایط خاص آن چنان دچار آفت شوند که حتی نتوانند روشن‌ترین حقایق را درک کنند و نیز در شرایطی مثبت و ویژه به چنان ادراکی ناب و بی‌پیرایه دست یازند که پس دیوار غیوب را چنان مشاهده کنند که از دیدن و ادراک حسی نیز قابل اعتمادتر باشد. اما آن تاریک‌دلی و این تیزبینی و باز شدن چشم به غیب، گاهی چنان تدریجی و کند و گاهی نیز چنان سریع و تند اتفاق می‌افتد که قبول آن برای کسانی که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند، سخت و گاه غیر قابل باور است. قرآن مجید گاهی سخن از انحراف دل و فکر به میان می‌آورد و گاه به زنگار دل اشاره می‌کند و زمانی این انحراف را به عنوان یک بیماری

خطرناک مطرح کرده و در وقت دیگر از آن به عنوان پرده‌ای زخیم که روی دل افراد قرار می‌گیرد، یاد می‌کند (ر.ک: مکرم شیرازی، 1377، ج 1: 313-314). این موانع و حصارها چنان انسان را احاطه می‌کند که او را از دیدن حقایق عالم، نابینا و به مرحله حیوان و پایین‌تر از آن تنزل و سقوط می‌دهد؛ به گونه‌ای که حتی نمی‌تواند از ابزار ادراکی خود به درستی بهره ببرد: «آنها را دل‌هایی است بی‌ادراک و دیده‌هایی بی‌نور بصیرت و گوش‌هایی ناشنوا. حقیقتاً آنها مانند چهارپایانند، بلکه بسی گمراه‌تر. آنها همان مردمی‌اند که غافل شدند» (اعراف: 179).

از این نگاه، قلب و روح آدمی به مثابه آینه‌ای است که بر اثر غبار غفلت و معصیت دچار زنگار شده و در آن حالت هیچ نور حقیقی را منعکس نمی‌کند. قرآن از اثر اعمال بر قلب و جان، با عنوان نقطه بیضا و نقطه سودا یاد می‌کند. «اگر عمل صالح، با تمام شرایط صورتی و معنوی و غالیه و قلبیه آورده شود، اثر آن نورانیت و صفایی در باطن قلب است که نور هدایت را به همراه خواهد داشت. چنانچه عمل سوء نیز باعث کدورت، تاریکی و دوری انسان از مقام قرب و مهجور و محجوب ماندن از معارف الهیه است» (ر.ک: خمینی، 1386: 283-282). خسارت ظلمت و کدورت قلب که به واسطه گناه ایجاد شد، هیچ‌گاه حتی با اعمال خوب بعدی جبران نمی‌شود؛ زیرا با کار خوب پس از گناه می‌توان اثر گناه را محو کرد، در حالی که اگر کار خوب قبل از گناه واقع می‌شد، سبب افزایش صفا و نورانیت قلب می‌شد، ولی کار خوب پس از گناه فقط قلب را به وضعیت قبل از گناه برمی‌گرداند و دیگر فایده نورانیت و حصول ادراکاتی جدید را ندارد (ر.ک: فیض کاشانی، 1376، ج 5: 24).

بر مبنای معارف و حیانی و روایی، نرسیدن حقایق ناب به قلب انسانهای رذیلت‌مند از جانب خداوند به خاطر اعمال خود آنهاست که آنان را گرفتار کرده است. اگر انوار علمی و اسرار ربانی بر دلی پوشیده و محجوب باشد، سبب بُخل خداوند مُنعم نیست. به درستی که شأن او والاتر از آن است که به بنده اش بُخل ورزد؛ بلکه علت این پوشیدگی، آلودگی قلب و اشتغالش به چیزهایی است که با علم و معرفت در تنافی است (ر.ک: نراقی، بی‌تا، ج 1: 39). ارتباط وثیق میان عمل و اندیشه تا جایی است که هر اندازه که انسان مؤفق به تزکیه نفس شده و به مقام تقوا برسد، به همان مقدار بر شناخت او درباره مسائل حیات معقول افزوده خواهد شد (جعفری، 1376، ج 7: 219) و هرچه زنگارهای غفلت و رذیلت از گنجینه درونی بشر زدوده شود، به سرمایه درونی خویش آگاه‌تر می‌شود تا بدون غبار دل و حجابهای ستر، حقایق را آن‌گونه که هست، دریابد.

زبان وحی و بیان معصوم (ع) به طور گسترده به چیستی و گونه‌های معرفت، نحوه حصول آن و عوامل معرفتی و غیر معرفتی مؤثر بر آن پرداخته، گناه را از عوامل بسیار مهم تأثیرگذار بر معرفت برشمرده‌اند که تأثیر بسزایی در اقسام مختلف معرفت، اعم از اکتسابی و غیر اکتسابی دارد. نافرمانی از حق، به آشکال مختلف بر معرفت و تحصیل آن، به خصوص در حوزه معارف الهی مؤثر است. گناه گاه سبب توجه انسان به بخشی از واقعیت و غفلت از بخش دیگر، زمانی باعث تحریف در حقایق، هنگامی باعث انکار و تکذیب

282 ♦ تبیین تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک از منظر آیات و روایات

حقیقت، گاهی سبب فراموشی و نسیان واقعیات و وقتی نیز سبب سطحی‌نگری و عدم تعمق در حقایق و نیز القانات شیطانی می‌شود. در مقابل، تقوا باعث سرعتِ فهم و عمیق‌تر شدن ادراک شده و در برخی حالات باعث ایجاد نوع خاصی از ادراکات، نظیر الهاماتِ رحمانی و معارفی جدید می‌شود. این مطلب به شکل ریشه‌داری در آیات و روایات به صورت مستقیم و غیر مستقیم مطرح شده و در کتابهای روایی و تفاسیر انعکاس یافته است. با استخراج واژه‌هایی مانند ختم، طبع، رین، غلاف، کنان، عمی، غشاوه و نظایر آن و همچنین لغاتی مثل علم، نور، فتح، شرح و مشابه آنها در منظومهٔ وحیانی و روایی، به خوبی می‌توان این معنا را فهمید که در حصول معرفت و شناخت، علاوه بر اسلوب برهانی و عقلی، از طریق سیر و سلوک و تزکیهٔ نفس نیز می‌توان به واقعیات و حقایق حقی کامل‌تر دست یافت. به عبارت دیگر؛ علاوه بر علم حصولی و حضوری که علم به مفاهیم و مصادیق اشیاست، علمی لدنی یا کشفی و ایتایی نیز وجود دارد که برای نفوس کامله و تزکیه‌شده حاصل می‌شود؛ یعنی در نفس آدمی علاوه بر قوای حسّی و عقلانی، قوهٔ دیگری نهفته است که از طریق آن می‌توان حقایق را فهمید که حس و عقل از درک آنها عاجز و ناتوانند.

آموزه‌های دینی بر تأثیر نافرمانی حق در روح و جان و به تبع بر ادراک و شناخت او تأکید می‌ورزند. برای نمونه، در قرآن مجید به رسول خود می‌فرماید: «می‌نگری آن کس که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را پس از اتمام حجّت، گمراه ساخته و مُهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم او پرده طُلمت کشیده (لذا سخن خدا را نمی‌شنود و فکر در عاقبت خود نمی‌کند و آیات الهی را به چشم مشاهده نمی‌کند). پس او بعد از خدا چه کسی هدایتش خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمی‌شوید؟» (جانبه: 23). رسول خدا(ص) نیز می‌فرماید: «هر کس که گناهی مرتکب شود، بخشی از نیروی اندیشهٔ (عقل) خود را برای همیشه از دست می‌دهد.» (فیض کاشانی، 1376، ج 5: 24)

علاوه بر آیات و روایاتی که بر تأثیر منفی رذایل بر ادراک دلالت دارند، آیات و روایاتی هم بر تأثیر مثبت فضایل و تقوای الهی بر قوهٔ تمییز انسان تصریح دارند. فضایی که زمینه‌ساز دریافت نورِ دانشی برای هدایت‌اند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید، برای شما نیرویی قرار می‌دهد که به وسیلهٔ آن حق را از باطل تشخیص دهید» (انفال: 29). «از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند احکام دین را به شما می‌آموزد» (بقره: 282). «و کسانی که در مسیر ما با تمام وجود تلاش کرده و هیچ‌گاه از ایمان و اطاعت باز نمانده‌اند، قطعاً آنان را به راه‌هایی که به ما منتهی می‌شود، راهنمایی می‌کنیم» (عنکبوت: 69). و نیز حضرت علی(ع) می‌فرماید: «در دنیا زهد پیشه کنید تا خداوند شما را به عیوب آن بینا کند» (نهج البلاغه، ح 391). «هر که در دنیا زهد پیشه کند و از خواری آن بی‌تاب نشود و برای عزّت آن رقابت نرزد، خداوند او را بی‌واسطه هدایت کند و به او علم بی‌تعلّم عنایت کرده و حکمت را در دلش جای دهد و بر زبانش جاری

قرآن و روایات بر این مهم تأکید دارند که بشر برای رسیدن به ادراک صحیح باید موانع حائل جلوی دید ظاهر و باطن را کنار زده، راه صحیح رسیدن به آن نور حقیقی را بیاید. گناه یکی از موانع مهم بر سر راه ادراک است. گاهی انسان به سبب آلودگی به گناه و تبهکاری تشریحی چنان در تله غفلت گرفتار می‌شود که مجاری ادراکی‌اش با اموری باطل بسته شده، دیگر ندای فطرت و بانگ شریعت را با گوش جان نمی‌شنود؛ البته این به معنای نداشتن ابزار ادراکی نیست، بلکه با وجود آنها، از بهره‌وری‌شان محروم است. قرآن می‌فرماید: «آنها قلب دارند، اما نمی‌فهمند؛ گوش دارند، اما نمی‌شنوند؛ چشم دارند، اما نمی‌بینند» (اعراف: 179) و چنان مست و مدهوش می‌شوند که گویا بر همه قوای ادراکی آنان قفلی نهاده باشند که از کارکرد خود بازمانده باشند: «قهر خدا مُهر بر دلها و گوشها و حجاب بر چشمهای ایشان نهاد که فهم حقایق و معارف الهی را نمی‌کنند و آنان را عذابی سخت خواهد بود» (بقره: 7). در مقابل، آنانی که به دستورات دینی عمل کرده و از هدایت تشریحی الهی بهره برده و خویش را به فضایل اخلاقی و عملی آراسته‌اند، خداوند بر هدایت تکوینی ثانوی (پاداشی) آنان می‌افزاید و به آنان روح تقوا می‌بخشد و زمینه را برای کشف و شهود قلبی‌شان فراهم می‌کند و به آنان نوعی درک و دید تازه و عمیق از جهان عنایت می‌کند که در پرتو آن، حقایق باطن جهان را رصد می‌کنند و قدرت تمییز و تشخیص بین حق و باطل را به آنان ارزانی می‌دارد. زبان وحی الهی به زیبایی این مطلب را گوشزد می‌کند که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا پروا کنید، برای شما نیرویی قرار می‌دهد که به وسیله آن حق را از باطل تشخیص دهید» (انفال: 29). قول پیامبر اسلام (ص) نیز به همین معنا اشاره دارد: «هر که در دنیا زهد ورزد، خداوند علم بدون دانش آموزی به او عطا گرداند و او را بصیر قرار می‌دهد» (فرید تنکابنی، 1388: 106).

پس در حقیقت بسیاری از انسانها به خاطر رذیلت‌مندی و دست زدن به گناهان، دیده حقیقین خود را کور کرده و حجابهای سنگین بر قلب و جان خود نهاده‌اند و به حقایق عالم دسترسی ندارند. اینان چشم‌دارانی‌اند که بسیاری از واقعیات را نمی‌بینند و گوش‌دارانی‌اند که بسیاری از نداها را نمی‌شنوند و در حقیقت؛ کوردلانی‌اند که عمری را به سرگردانی می‌گذرانند. به فرموده پیامبر دانایی‌ها (ص): «کوری حقیقی آن نیست که چشم سر نبیند؛ بلکه نابینای واقعی آن کسی است که چشم بصیرتش کور است و حقایق عالم را به چشم دل در نمی‌یابد» (همان).

برای نجات از این عذاب الهی که از بیماری قلب بر اثر رذیلت‌مندی دامنگیر انسان می‌شود و تا به مرحله سقوط نهایی او را به پیش می‌برد، باید قلب و دل را از کدورات و بدی‌ها رها کنید و برای اینکه در مرحله علم‌آموزی و دستیابی به مدارج عالی علم و معرفت بتواند موانع را کنار بزند، بهترین راه حل، رفع و دفع رذایل و دست یازیدن به فضایل اخلاقی و عملی است. بر هر دانش‌پژوهی لازم است که تهذیب نفس را مقدم بر تعلیم و تعلم بداند و از این مهم غافل نماند تا بتواند با تزکیه نفس، گامهای بلندتری را در راه کسب معارف بردارد.

284 ♦ تبیین تأثیر فضایل و رذایل بر ادراک از منظر آیات و روایات

دستیابی به برخی از شناختها وابسته به عنایت و لطف حضرت باری تعالی است؛ چنانچه امام سجاده (ع) در مناجات المریدین می‌فرماید: «چقدر راه‌ها تنگ و دشوار است برای کسی که تو راهنمایش نباشی، و چقدر راه حق واضح و هویداست، اگر تو هدایتش نمایی». البته قبول این مدعا نیازمند قبول چندین پیش‌فرض است که استدلال آن با تنظیم چند مقدمه امکان‌پذیر خواهد بود:

- بنا بر نظریه عدل الهی در حوزه تکوین، خداوند متعال به اندازه ظرفیت وجودی هر فرد به او افاضه فرموده و به اندازه شایستگی‌هایش از مواهب به او عطا می‌کند. این ظرفیت هم بنا بر اختیار انسان و قاعده «الامر بین الامرین»، بخشی محصول تلاش انسان و قسمتی اعطایی خداوند است.
- بنا بر همین قاعده، انسان مختار است تا در راستای کسب معرفت تلاش کند و بخشی از این تلاش به تحصیل معارف و بخشی هم به آماده‌سازی زمینه کسب معارف از طریق رفع و دفع رذایل و کسب فضایل است که زمین دل را برای رویش درخت دانش مهیا می‌کند.
- می‌دانیم که اراده الهی و توفیق از آن ناحیه، شرط لازم رسیدن به نتیجه است؛ زیرا همه امور به طور صددرصد در اختیار انسان نیست.
- عنایت الهی بی‌مقدمه و بی‌مقتضی نیست، بلکه تلاش انسان در کسب این اقتضا و جلب عنایت حضرت حق، موثر و بلکه لازم است.

ل) نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که:

1. کسب دانش و معرفت بشری تنها وابسته به عوامل مادی نیست و مسائلی مانند ملکات اخلاقی (شامل فضایل و رذایل) در کیفیت و میزان معرفت‌اندوزی اثر مستقیم دارد.
2. اثبات اثرمندی عوامل غیر معرفتی بر ادراک، از راه ادله عقلی و نقلی قابل بررسی است. طبق سیر استدلالها و شواهد نوشتار حاضر، مدعای مذکور با تکیه بر ادله قرآنی و روایی، کاملاً قابل اثبات است.
3. تنها تلاش انسان نیست که معرفت‌زاست، بلکه عنایت ویژه الهی با زمینه‌سازی اختیاری خود انسان در زایش معرفت لازم و ضروری است.
4. حالات و قوای معنوی انسان به حکم تضاد و تراحمی که میان برخی با برخی دیگر وجود دارد، در یکدیگر تأثیر مخالف می‌گذارند و اثر یکدیگر را در مواردی خنثی می‌سازند که از آن جمله می‌توان دشمنی هوا و هوس با عقل را برشمرد. از این رو، در صورت حلول ملکه تقوا و طهارت باطن، دشمن

عقل (هوا و هوس) مهار خواهد شد و نمی‌گذارد اثر عقل توسط هوا و هوس ختنی شود. بدین صورت مسیر ادراکات هموارتر خواهد شد.

5. فضایل باعث روشن‌بینی و القای نوعی ادراک جدید و در مقابل، رذایل نیز موجب کدورت و کندذهنی و محرومیت از برخی از انواع ادراکات و معارف (مانند حکمت و ادراکات شهودی) می‌شود. گناه، گاه سبب توجه انسان به بخشی از واقعیت و غفلت از بخش دیگر، زمانی باعث تحریف در حقایق، هنگامی باعث انکار و تکذیب حقیقت، گاهی سبب فراموشی و نسیان واقعیات و وقتی نیز سبب سطحی‌نگری و عدم تعمق در حقایق و نیز القانات شیطانی می‌شود.

6. اهل رذایل حتی اگر با تکیه بر علوم متداول بتوانند دقیق‌ترین مطالب علمی را درک کنند و به اکتشافات علمی نایل شوند، اما نمی‌توانند بدین راز پی ببرند که سرمنشأ این معارف و حقایق کجاست و بدین رو، از رهایی به خزینة علم الهی درمی‌مانند.

7. با توجه به مجموعه مطالب پیشین، بر نهادهای آموزشی ضروری است که به رذایل اخلاقی به عنوان یکی از عوامل اُفت علمی و تحصیلی و همچنین یکی از موانع دانش‌پژوهی دانشجویان و طلاب بنگرند و به عنوان مقدمه تحصیل، در رفع و دفع آن بکوشند و با سوق دادن آنان به سوی تخلّق به اخلاق دینی، زمینه شکوفایی و بروز خلاقیتها را فراهم کنند.



منابع

- قرآن مجید. ترجمه بر اساس المیزان.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (1386). قم: مسجد مقدس جمکران، چ دوم.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (1366). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (1375). الإشارات و التنبیها. قم: البلاغه.
- بروجردی، حسین بن رضا (1416 ق.). صراط المستقیم فی تفسیر القرآن الکریم. قم: انصاریان.
- بندر ریگی، محمد (1389). فرهنگ جدید (عربی - فارسی)، ترجمه منجد الطّلاب به ضمیمه فرائد الادب. تهران: انتشارات اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (1376). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (1378). تسمیه، تفسیر قرآن کریم. قم، إسرائ.
- جوادی آملی، عبدالله (1386). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: إسرائ، چ سوم.
- حسین زاده، محمد، 1394، معرفت شناسی، قم، انتشارات موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ هجدهم.
- حرّانی، حسن بن شعبه (1404 ق.). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین، چ دوم.
- خمینی، روح الله (1386). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ یازدهم.
- سبحانی، جعفر (1375). شناخت در فلسفه اسلامی. تهران: برهان.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی (1380). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. تصحیح هنری کُرن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبایی، محمد حسین (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. بی جا: دارالکتب الاسلامیه، چ سوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (1406 ق.). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، نصیرالدین (1413 ق.). اخلاق ناصری. تهران: علمیه اسلامی.
- طوسی، نصیرالدین (1367). اساس الاقتباس. تهران: دانشگاه تهران، چ سوم.
- طوسی، نصیرالدین (1375). شرح اشارات و التنبیها ابن سینا. قم: البلاغه.
- فرید تنکابنی، مرتضی [گردآورنده] (1388). سیری دیگر در نهج الفصاحه: رهنمای انسانیت، کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص). تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چ پانزدهم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (1376). المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء. بی جا: النشر الاسلامی، چ چهارم.
- قرشی، سید علی اکبر (1361). قاموس قرآن. طهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ افست مروی، چ سوم.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (1363). الاصول من الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ پنجم.
- مجلسی، محمد باقر (1404 ق.). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد (1385). علم و حکمت در قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث، چ سوم.

- محمدی ری شهری، محمد (1377). *گزیده میزان الحکمه*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم، دارالحدیث.
- مسکویه، ابی علی احمد بن محمد (1384). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. بی جا: زاهدی، چ هفتم.
- مطهری، مرتضی (1387). *مسئله شناخت*. تهران: صدرا، چ بیست و دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (1377). *پیام قرآن (ج 1: معرفت و شناخت در قرآن مجید)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (2002 م). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الأربعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، ملا مهدی (بی تا). *جامع السعادات*. ترجمه کریم فیضی. بی جا: قائم آل محمد.
- **The Holy Quran**, translation based on the book Al-Mizan.
- **Nahj al-Balaghah**, 2007, translated by the late Mohammad Dashti, second edition, Qom, Jamkaran Holy Mosque Publications.
- **Ibn Sina**, Abi Ali Hussein bin Abdullah, 1375 AH, Signs and Prophecies, Qom, Nashr al-Balaghah, Ch.
- Bandar Rigi, Mohammad, 2010, **Farhang-e Jadid** (Arabic-Persian), translated by Manjad-e-Talab, supplemented by Fara-e-Adab, Tehran, Islamic Publications, Vol 1.
- Boroujerdi, Hussein Ibn Reza, 1416 AH, **Sarat Al-Mustaqim Fi Tafsir Al-Quran Al-Karim**, Qom, Ansarian Institute.
- Ghorashi, Seyyed Ali Akbar, 1982, **Quran Dictionary**, Tehran, Islamic Library, Marvi Offset Printing, Ch III.
- Mahyar, Hossein, 1996, **Abjadi Culture**, (translated by Manjad Abjadi), Tehran, Islamic Publications, Vol. Another journey in Nahj al-Fasaha, the guide of humanity, the short words of the Holy Prophet (PBUH), compiled by Morteza Farid Tonekaboni, 2009, Tehran: Farhang-e-Islami Publishing, 15th edition.
- Khomeini, Ruhollah, 2007, **Explanation of the hadith "Soldiers of Wisdom and Ignorance"**, 11th edition, Tehran, Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
- Tamimiyah Amadi, Abdul Wahed Ibn Mohammad, 1987, **Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam**, Qom, Daftar Tablighat Publications.
- Javadi Ameli, Abdullah, 1378 AH (a), **Tasnim Tafsir of the Holy Quran**, first edition, Qom, Isra Publishing.
- Javadi Ameli, Abdullah, 1378 AH (b), **stages of ethics in the Quran**, second edition, Qom, Isra Publishing.
- Javadi Ameli, Abdullah, 1999 (c), **Epistemology in the Quran**, first edition, Qom, Isra Publishing.
- Javadi Ameli, Abdullah, 2007, **Interpretation of man to man**, third edition, Qom, Isra Publishing.
- Javadi Ameli, Abdullah, 2007, **the Status of Reason in the Geometry of Religious Knowledge**, Third Edition, Qom, Isra Publishing.
- Jafari, Mohammad Taqi, 1981, **Cognition from a scientific point of view**

and from the point of view of the Holy Quran, Vol.

- Jafari, Mohammad Taqi, 1997, **translation and interpretation of Nahj al-Balaghah**, first edition, Islamic Culture Publishing.
- Harrani, Hassan Ibn Shu'bah, 1404 AH, **Tahfa al-Aqool**, second edition, Qom, Teachers Association Publications.
- Ragheba Isfahani, Hussein Ibn Ahmad, 1412 AH, **Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran**, first edition, Dar Al-Alam Al-Shamiya, Damascus.
- Sobhani, Jafar, 1996, **Cognition in Islamic philosophy**, first edition, Tehran, Borhan Publications.
- Suhrawardi, Shahab al-Din Yahya, 2001, **Collection of works by Sheikh Ishraq**, Correction of Carbon Art, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Tabatabai, Mohammad Hussein, **Al-Mizan in the Interpretation of the Qur'an**, third edition, published by Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, 1406, **Majma 'al-Bayyan fi Tafsir al-Quran**, Beirut, Dar al-Ma'rifah.
- Tusi, Nasir al-Din, 1375, **explanation of Ibn Sina's signs and warnings**, Qom, Balagha, Ch.
- Tusi, Nasir al-Din, 1988, **Basis of Quotation**, Tehran, Tehran University Press, Ch III.
- Tusi, Nasir al-Din, 1413, **Nasiri ethics**, Tehran, Islamic Theological Publications.
- Faizakashani, Mohammad Ibn Shah Morteza, **Al-Muhajja Al-Bayda Fi Tahdhib Al-Ahya**, Islamic Publishing Institute, fourth edition, 1997.
- Alkoleiny, alrazi, Mohammad Ibn Ya'qub, 1984, **Principles of Sufficient**, Fifth Edition, Tehran, Islamic Library.
- Majlisi, Muhammad Baqir, 1404 AH, **Bihar Al-Anwar**, Lebanon, Beirut, Al-Wafa Foundation.
- Mohammad Riyashahri, Mohammad, 2006, **Science and Wisdom in Quran and Hadith** (2 volumes), third edition, Qom, Dar al-Hadith Publishing.
- Mohammad Riyashayri, Mohammad, 1998, **Selected Scale of Wisdom**, translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom, Dar al-Hadith.
- Motahari, Morteza, 1387, **the issue of cognition**, twenty-second edition, Tehran, Sadra.
- Makarem Shirazi, Nasser, 1998, **the Message of the Quran**, Volume 1 (Knowledge and Cognition in the Holy Quran), Tehran, Islamic Library.
- Mulla Sadra, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim al-Shirazi, 2002, **The Transcendent Wisdom in the Four Rational Travels**, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Naraqi, Mullah Mahdi, Bita, **Jame 'al-Saadat**, translated by Karim Faizi, first edition, Qaem Al-Mohammad Publications, two volumes.
- Muskawiyah, Abi Ali Ahmad Ibn Muhammad Ibn Ya'qub, 2005, **Refinement of Ethics and Purification of Iraq**, Zahedi Publications, Ch.

